

ممنوعیت ازدواج با زن شوهردار و در عده

مهدی رهبر *

چکیده

ادله متعدد نقلی و عقلی دلالت می‌کند؛ ازدواج با زن شوهردار و در عده اعم از دائم یا موقت مجاز نیست. ازدواج در عده و ازدواج زن شوهردار دارای اقسام مختلفی است که مبنای این تقسیم، علم یا جهل به موضوع و حکم می‌باشد که در هر صورت احکام جداگانه‌ای دارد. حکم این ازدواج در صورت علم، حرمت ابدی و در صورت جهل و عدم نزدیکی عقد باطل می‌باشد. فرزند متولد از آنان در صورت علم، ولد الزنا و در صورت جهل، ولد شبهه محسوب می‌شود. در این مقاله ادله حرمت چنین ازدواجی و احکام صور مختلف آن با استفاده از ادله شرعی و قوانین موضوعه بررسی شده و پیشنهاد اصلاح ۳ ماده از قانون مدنی و ۲ ماده از قانون مجازات اسلامی به جهت رفع ابهام و اجمال ارائه شده است.

کلید واژه

عده، زن شوهردار، عقد، طلاق، مجازات، حرمت ابدی

- تاریخ دریافت: ۸۸۷/۱۳؛ تأیید نهایی: ۸۸۹/۱۸

*- دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

طرح مسأله

احکام فراوانی در زمینه مقدمات ازدواج، نحوه همسریابی، عقد ازدواج، حقوق و تکالیف زوجین و نحوه معاشرت آن دو با یکدیگر در ادله معتبر شرعی وجود دارد که حاکی از دقت نظر و اهتمام خاص شارع به این نهاد مقدس و انسانی می‌باشد. زن و مردی که قصد ازدواج دارند، علاوه بر دارا بودن شرائط مقتضی برای تحقق عقد ازدواج، باید از موانع انعقاد عقد مبرا باشند. این مقتضیات و موانع در شرع و قانون به تفصیل بیان شده است. در این نوشتار شوهردار بودن و در عده بودن زن که دو مانع از موانع نکاح می‌باشند، بررسی می‌شود. ضرورت پرداختن به این موضوع آنگاه روشن می‌شود که به نقش خانواده سالم در تربیت انسان‌های لایق و شایسته توجه کنیم مسلماً اگر در موانع تشکیل خانواده (خصوصاً دو مانعی که در این نوشتار بدان‌ها پرداخته می‌شود) دقت شود و این موانع به مردم تفهیم شود موجب جلوگیری از هم پاشیده شدن خانواده‌ها و لطمات روحی و عاطفی ناشی از آن خواهد شد.

(۱) عده

کلمه «عده» به کسر عین و فتح دال مشدد، مأخوذ از کلمه عدد و جمع آن عدد است. عدد به معنی گروه، جمعیت و شمارش کردن می‌باشد. عده آن چیزی است که شمارش می‌شود و در معنی گروه و تعداد نیز بکار می‌رود. مثلاً بیان می‌شود: «اشتریتُ عده کتب» (چند کتاب خریدم)، (ابن منظور، ۱۴۰۵ق:

ج ۳، ص ۲۸۲؛ طریحی، ۱۴۰۸ق: ج ۳، ص ۱۳۲). عده در اصطلاح فقهی عبارت است از: «مدتی که زن بعد از انحلال نکاح به سبب مرگ شوهر یا به خاطر اطمینان از پاکی رحمش از آبستنی یا از روی تعبد شرعی در صورت یقین به پاک بودن رحم از حمل باید انتظار بکشد و اقدام به ازدواج نکند» (بحرانی، ۱۳۶۳: ج ۲۵، ص ۳۹۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۹، ص ۲۳۱). در این تعریف به علل یا حکمت‌های عده اشاره دارد که اهم این حکمت‌ها عبارتست از: جلوگیری از اختلاط نسل؛ رعایت حرمت نکاحی که منحل شده و فراهم ساختن امکان رجوع به آن و احترام به نکاح در مورد عده وفات.

در ماده ۱۱۵۰ ق.م. در تعریف عده آمده: «عده عبارتست از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند». عده به سه دلیل واجب می‌شود: «جدا شدن زن و شوهر به وسیله طلاق یا فسخ یا انفساخ در ازدواج دائم و انقضای مدت یا بخشیدن آن در ازدواج منقطع؛ مرگ شوهر؛ و طی به شبهه که مرد به گمان حلیت زنی با وی آمیزش می‌کند» (امام خمینی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۳۳۴). در ماده ۱۱۵۷ ق.م. آمده: «مدت عده طلاق سه طهر است که از تاریخ وقوع طلاق شروع می‌شود و زن باید سه بار دوران پاکیزگی را پشت سر بگذارد. زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کند نیز باید عده طلاق نگه دارد».

حال این سؤال مطرح می‌شود؛ آیا طهری که در آن طلاق واقع می‌شود (طهر غیر موقعه) یکی از سه طهر است یا این طهر محاسبه نمی‌شود؟ برخی قائلند: «طهر ناقص نیز حتی اگر لحظه‌ای از آن باقی مانده باشد، محاسبه

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

می‌شود» (خوانساری، ۱۳۵۵ق: ج ۴، ص ۵۴۷؛ امام خمینی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۳۳۷). از ظاهر ماده ۱۱۵۱ق.م. نیز همین معنا مستفاد است، چون به کوتاه‌ترین مدت پاکیزگی نیز طهر اطلاق می‌شود؛ لذا با آغاز سومین عادت زنانگی عده نیز پایان می‌پذیرد، زیرا شروع هر عادت نشانه گذشتن مدت طهر قبل از آن است. مبدأ عده طلاق از هنگام وقوع طلاق است، چه شوهر حاضر یا غایب باشد و چه خبر طلاق به زن برسد یا نرسد. بنابراین اگر مردی غیاباً همسرش را طلاق دهد و خبر طلاق بعد از گذشت مقدار زمان عده به اطلاع زن برسد، در این صورت عده طلاق به اتمام رسیده است. «شروع عده فسخ نیز مانند عده طلاق است» (امام خمینی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۳۰۳).

در ماده ۱۱۴۵ ق.م. آمده: «عده فسخ نکاح، بذل مدت و انقضای مدت در ازدواج موقت دو طهر است. اما در مورد زن حامله تا زمان وضع حمل است.» این بدان معناست که آنچه در مورد زن حامل مورد توجه قرار گرفته حفظ سلامت حمل است و پیشگیری از اختلاط نسل مورد نظر نیست. در ماده ۱۱۵۴ ق.م. بیان می‌دارد: «عده وفات چهار ماه و ده روز است، مگر اینکه زن حامله باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است، مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد و الا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود.» عده وفات از زمان اعلام خبر فوت شوهر به زن شروع می‌شود، این مبدأ برای عده وفات نسبت به شروع آن از زمان فوت واقعی شوهر و جیه‌تر به نظر می‌رسد. زیرا بی‌خبر ماندن زن از تاریخ مرگ شوهر از زشتی اخلاقی

ممنوعیت ازدواج با زن شوهردار و در عده

اقدام زنی که با دریافت خبر مرگ شوهر بی‌درنگ به خانه بخت می‌رود نمی‌کاهد و حرمت خاک شوهر و پیمان زناشوئی محفوظ نمی‌ماند (ر.ک. کاتوزیان، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۵۲۲).

ماده ۱۱۵۶ق.م. مقرر می‌دارد: «زنی که شوهر او غائب مفقودالایر بوده و حاکم طبق شرایط، او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگه دارد» زنی که بین او و شوهرش نزدیکی واقع نشده، اعم از صغیره و یائسه، عده طلاق و عده فسخ نکاح ندارد، ولی عده وفات در هر مورد باید رعایت شود.

۱-۱) حیظه عده

۱-۱-۱) ازدواج در عده شامل ازدواج دائم و منقطع می‌شود، چه ازدواجی که زن با مرد دوم انجام دهد و چه ازدواجی که با همسر اول داشته است. عده نیز شامل عده طلاق رجعی، بائن، عده وفات، عده وطی به شبهه، عده فسخ نکاح و دخول هم شامل قبل و دبر می‌باشد بذل و انقضاء مدت در مورد نکاح منقطع است (ر.ک. نجفی، ۱۳۶۷: ج ۲۹، ص ۴۲۸؛ طباطبایی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۸۱۷؛ امام خمینی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۲۸۱). ترک استفصال، اطلاق و عموماتی که در ادله مربوط به ازدواج در عده وجود دارد دلیل تمام موارد مذکور می‌باشد.

۱-۱-۲) منظور از عدم جواز ازدواج در عده، اعم از عقد ازدواجی است که مرد جاری می‌نماید یا وکیل منعقد می‌سازد. بنابراین اگر موکل علم به عده و حرمت داشته و فردی را وکیل برای انعقاد عقد ازدواج کند، چنین عقدی نیز باعث حرمت ابدی بین موکل و زن می‌شود. حال سؤال این است که اگر کسی برای طفل با علم به حرمت این کار را انجام دهد چه حکمی

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

دارد؟ برخی معتقدند: «اگر ولیّ طفل یا مجنون با علم به عده و حرمت آن برای طفل یا مجنون زنی را عقد نماید؛ چنین عقدی موجب حرمت ابدی این زن برای طفل و مجنون نمی شود» (نجفی، ۱۳۶۷: ج ۲۹، ص ۴۳۹؛ امام خمینی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۲۸۲). زیرا فعل حرام را ولیّ انجام داده و از آنجا که ولیّ چنین عقدی را برای خود واقع نساخته، حرمت تکلیفی متوجه وی نمی شود؛ همچنین چون طفل و مجنون شرائط عام تکلیف را دارا نمی باشند، حرمت تکلیفی (حرمت ابدی) متوجه آنها نمی شود.

۳-۱-۱) حرمت ازدواج در عده، شامل همسر اول نمی شود؛ زیرا زوجه در عده می تواند، مجدداً با زوج اول ازدواج نماید و نیازی به انتظار برای اتمام عده نیست، مگر در بعضی موارد که مانع شرعی وجود دارد، مثل زنی که سه بار طلاق داده شده که نیاز به محلل دارد یا زنی که در عده طلاق رجعی است، چون در حکم زوجه است، رجوع به وی نیاز به عقد جدید ندارد (ر.ک. امام خمینی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۲۵۳). زیرا هنوز عقد باطل نشده و انعقاد عقد جدید در عده طلاق رجعی باطل است (ر.ک. همان، ص ۲۸۳).

۴-۱-۱) سؤال دیگر اینکه اگر مردی شک کند زن در عده است؛ یا اگر قرینه ای نباشد، اصالة العدم جاری شده و ازدواج با این زن جایز است. لذا تفحص از حال زن نیز لازم نیست و اگر شک کند، عده زن تمام شده و زن ادعا کند مدت عده تمام شده و در این حال ادعای زن حجت بوده و ازدواج جایز است. البته اگر زن، متهمه و غیرقابل اعتماد باشد، احوط آن است که از حال وی تفحص شود. در این موارد اگر بعداً کشف خلاف شود؛

ممنوعیت ازدواج با زن شوهردار و در عده

حکم ازدواج در عده جاری می‌شود (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۸۱۹؛ امام خمینی، ۴۰۴ق: ج ۲، ص ۲۵۳).

۲) فقه و ازدواج با زن در عده

با استناد به منابع فقهی معلوم می‌شود، ازدواج دائم یا موقت با زنی که در عده مرد دیگری است، جایز نمی‌باشد.

۲-۱) کتاب

«... لاتعزموا عقدة النکاح حتی یبلغ الکتاب أجله»، (بقره، ۲۳۵)؛ (تا عده زنان صاحب عده تمام نشده، تصمیم به عقد ازدواج با آنها نگیرید). مفسرین معتقدند: «منظور از کتاب در آیه فوق «ما کتب و فرض من العدة» می‌باشد. یعنی آنچه از عده بر این زنان واجب و لازم شده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ص ۲۲۹؛ راوندی، ۴۰۵ق: ج ۲، ص ۱۳۸؛ طبرسی، ۴۱۵ق: ج ۲، ص ۱۲۰). آیه تصریح می‌کند عزم بر ازدواج در زمان عده جایز نمی‌باشد و اینکه از کلمه «عزم» برای ازدواج استفاده شده، عبارت «لاتنکحوا» نیامده، حاوی دو نکته می‌باشد:

«اول بیان مبالغه و شدت تاکید بر جلوگیری از این نوع ازدواج می‌باشد. گویا شارع راضی نیست که در فکر و ذهن کسی چنین تصمیمی منعقد شود که در این صورت به طریق اولی به انعقاد عقد در عالم خارج مخالفت کرده و به نحو اشد از آن بازداشته است. دوم تحریم عزم بر ازدواج، مستلزم تحریم ازدواج است؛ زیرا اگر ازدواج جایز بود؛ عزم بر آن نیز قطعاً جایز بود. زیرا منطقی و معقول نیست، کاری جایز باشد، اما عزم بر آن جایز نباشد» (نجفی، ۱۳۶۷ق: ج ۲۹، ص ۴۳۹).

۲-۲) روایات

در روایات وارده از معصومین علیهم السلام نیز چنین ازدواجی ممنوع شده و صور مختلف و احکام هر صورت به تفصیل بیان شده است.

۱-۲-۲) صور مختلف ازدواج در عده

۱-۱-۲-۲) عالم به عده و حرمت

اگر ازدواج با علم مرد و زن به عده و حرمت واقع شود، چه دخول انجام شود یا نشود، حرمت ابدی بین زن و مرد واقع می‌شود و باید از هم جدا شوند. حلبی به نقل از امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اذا تزوّج الرجل المرأة فی عدتها و دخل بها لم تحل له ابداً عالماً كان أو جاهلاً و ان لم یدخل بها حلت للجاهل ولم تحل للإخر» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۲۰، ص ۴۵۰)؛ (اگر مردی با زنی در عده ازدواج کند، در صورت علم به حرمت یا جهل به آن حرمت ابدی بین زن و مرد ایجاد می‌شود و در صورت عدم ازدواج اگر عقد از روی علم واقع شود، حرمت ابدی محقق می‌شود، اما در صورت جهل به حرمت عقد، حرمت ابدی محقق نخواهد شد).

«عن اسحاق بن عمار قال قلت لابی ابراهیم علیه السلام بلغنا عن ابیک أن الرجل اذا تزوّج المرأة فی عدتها لم تحل له ابداً فقال هذا اذا كان عالماً فاذا كان جاهلاً فارقتها و تعتدتم یتزوجها نکاحاً جدیداً» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۲۰، ص ۴۵۳)؛ (اسحاق بن عمار به امام کاظم علیه السلام می‌گوید از قول پدرتان برای ما نقل شده: اگر مردی با زنی در عده ازدواج کند، بر او حرام ابدی می‌شود.

امام فرمودند: این حکم در مورد کسی است که عالم (به حکم و موضوع) باشد، اما اگر جاهل بود از زن جدا می‌شود و پس از اتمام عده، زن می‌تواند با وی دوباره ازدواج کند).

۲-۱-۲ جهل به عده و حرمت

جهل زن و مرد به عده و تحریم، شامل جهل به عده فقط (با علم به تحریم) و جهل به تحریم فقط (با علم به عده) نیز می‌باشد. حال اگر نزدیکی صورت گیرد، حرمت ابدی بین زن و مرد ایجاد می‌شود و در صورت عدم نزدیکی، حرمت ابدی محقق نشده، اما عقد ازدواج، باطل و فاسد است و بعد از اتمام عده، زن و مرد می‌توانند عقد ازدواج جدید منعقد نمایند.

«عن عبدالرحمن بن الحجاج عن ابی عبدالله علیه السلام قال سألته عن الرجل یتزوج المرأة فی عدتها بجهالة أهی ممن لا تحل له ابدأ؟ فقال علیه السلام: لا اما اذا كان بجهالة فلیتزوجها بعد ما تنقضى عدتها و قد یعذر الناس فی الجهالة بما هو أعظم من ذلك فقلت باى الجهالتین یعذر بجهالته أن ذلك محرم علیه أم بجهالته أنها فی عده؟ فقال علیه السلام: إحدى الجهالتین أهون من الاخری الجهالة بأن الله حرّم ذلك علیه و ذلك بأنه لا یقدر علی الاحتیاط معها فقلت: و هو فی الاخری معذور؟ قال علیه السلام: نعم اذا انقضت عدتها فهو معذور فی أن یتزوجها فقلت: فان كان احدهما متعمداً و الآخر بجهل؟ فقال علیه السلام: الذى تعمّد لا یحل له أن یرجع الی صاحبه ابدأ»، (همان، ص ۴۵۱)؛ (عبدالرحمن بن حجاج از امام صادق علیه السلام در مورد مردی سؤال کرد که از روی جهالت با زنی در عده ازدواج می‌کند. آیا زن و مرد حرام ابدی می‌شوند؟ امام فرمودند: خیر اگر از روی

جهالت بوده بعد از پایان عده می تواند با وی ازدواج کند و مردم در موارد جهالت حتی در مسائلی بزرگتر از این مسئله معذور هستند. راوی می گوید: بر اساس کدام یک از دو جهالت معذور است، جهالت نسبت به حکم تحریم یا جهالت نسبت به در عده بودن زن؟ امام فرمودند: یکی از دو جهالت از دیگری آسانتر است. در جهل نسبت به حکم، قادر به احتیاط نمی باشد. راوی می گوید: این فرد در جهالت دیگر معذور است؟ امام فرمودند: بله پس از اتمام عده زن، مرد می تواند با وی ازدواج کند. راوی می گوید اگر یکی از زن و مرد عمداً (واز روی علم) و دیگری از روی جهالت اقدام به چنین ازدواجی نمایند، حکمش چیست؟ امام می فرماید: کسی که عمداً چنین کاری کرده هرگز حق رجوع به دیگری را ندارد.

در این روایت حکم به صورت مطلق بیان شده و بین قبل و بعد از دخول تفصیلی قائل نشده، حال آنکه روایات متعددی از جمله روایت حلبی که در صورت اول بیان شد، قائل به تفصیل شده اند، لذا این روایت به عنوان مقید باعث تقیید روایت عبدالرحمن به قبل از دخول می شود.

۳-۱-۲-۲) یکی عالم و دیگری جاهل به عده و حرمت

در این صورت ممکن است جهل به عده و تحریم تعلق گیرد یا جهل به یکی از آنها باشد. در این مورد دو نظر وجود دارد:

نظر اول: «عقد از طرف فرد جاهل صحیح و نسبت به عالم، فاسد است؛ اگرچه یک عقد بوده و قابل تبعیض نیست؛ صحت و فساد یعنی اثر داشتن عقد [نسبت به فرد عالم] و عدم اثر آن [نسبت به جاهل]. فرد جاهل می تواند

به مقتضای این عقد با طرف مقابل ازدواج نماید، اما چنین ازدواجی برای فرد عالم حرام است» (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۳۱). بنابراین یک عقد به دو اعتبار، دو اثر بر آن مترتب می‌شود و همین تغایر اعتباری برای تفاوت اثر کفایت می‌کند.

روایت عبدالرحمن بن حجاج که در مورد دوم بیان شد، می‌تواند مؤید این نظر باشد. در انتهای روایت امام علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که از روی علم و عمد اقدام به چنین ازدواجی کرده حق مراجعه به طرف دیگر که جاهل بوده را ندارد». مفهوم جمله این است که برای فرد جاهل حق مراجعه وجود دارد. نظر دوم: مشهور فقهاء معتقدند: «زن و مرد، چه قبل و بعد از دخول حرام ابدی می‌شوند» (شیخ طوسی، بی‌تا: ص ۴۵۳؛ نجفی، ۱۳۶۷ق: ج ۲۹، ص ۴۳۰؛ طباطبایی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۸۱۷؛ امام خمینی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۲۸۱). زیرا حرمت از جانب فرد عالم مستلزم حرمت در طرف جاهل نیز می‌باشد؛ چرا که عقد ازدواج مرکب از صحیح یا فاسد است و نمی‌توان در صحت یا فساد آن تبعیض قائل شد و نسبت به یک طرف، عقد صحیح و نسبت به طرف دیگر عقد فاسد باشد. «حتی اگر برای یک طرف نیز عقد صحیح باشد، ثمره و فائده عملی نخواهد داشت؛ زیرا تصحیح و تنفیذ چنین عقدی از مصادیق اعانه بر اثم و عدوان بوده و زمینه را برای ارتکاب فعل حرام از طرف فرد عالم مهیا می‌کند، درحالی که طبق صریح آیه قرآن «و لاتعاونوا علی الایم والعدوان» (مانده، ۲) «چنین عملی مورد نهی واقع شده است» (خوانساری، ۱۳۵۵ق: ج ۱۲، ص ۳۱۰). در نتیجه عمل به روایت عبدالرحمن بن حجاج در این مورد، مستلزم مخالفت با کتاب الهی است و

نمی‌توان به روایت عمل نمود. البته از آنجا که در مسئله دماء و فروج مبناي شارع بر احتیاط است، لذا بر اساس تغلیب جانب حرمت و فساد که به احتیاط نزدیکتر می‌باشد؛ حکم به فساد عقد و حرمت بین زن و مرد می‌شود.

۲-۳) اجماع

فقه‌های امامیه در مورد «تحریم ازدواج در عده اتفاق نظر دارند» (بحرانی، ۱۳۶۳: ج ۲۳، ص ۵۸۵). اگر اجماع مدرکی معتبر نباشد، چنین اتفاقی فی حد ذاته و به نحو استقلال سندیت و اعتبار ندارد؛ زیرا درباره موضوع مورد بحث آیات و روایات آمده و حکم آن بیان شده و اجماع به عنوان یک دلیل لبی، وقتی معتبر است که دلیل لفظی موجود نباشد. البته توجه به اتفاق نظر فقهاء در این زمینه می‌تواند به عنوان تأکید بر آنچه در ادله لفظی بیان شده، لحاظ شود. در کتب فقهی این موضوع به نحو اجمال یا تفصیل بیان شده که به چند مورد اشاره می‌شود:

- «مَنْ عَقَدَ عَلَى امْرَأَةٍ وَ هِيَ فِي عِدَّتِهَا وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهَا فِي عِدَّةٍ فَرَّقَ بَيْنَهُمَا - وَ انْ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا - وَ لَمْ تَحُلْ لَهُ اِبْدَاءً»، (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق: ص ۵۰۱)؛ (هرکس با علم به اینکه زن در عده است با وی ازدواج کند، حتی در صورت عدم دخول، بر هم حرام ابدی شده و باید از هم جدا شوند). سید مرتضی ضمن بیان جمله مذکور ادعا می‌کند: «این سخن از متفردات امامیه است»، (سید مرتضی، ۱۴۱۵ق: ص ۲۶۴). شیخ طوسی پس از بیان جمله فوق می‌نویسد: «غیر از فقه‌های مالکی تمام فقه‌های فرقه‌های اهل سنت با این نظر مخالف می‌باشند» (طوسی، ۱۴۱۷ق: ج ۴، ص ۳۲۱). همچنین برخی از فقهاء بر سخن شیخ مفید صحه گذاشته و آن

ممنوعیت ازدواج با زن شوهردار و در عده

را بیان نموده‌اند (ر.ک. محقق حلی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۵۱۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۳۱؛ شهید اول، ۱۴۱۱ق: ص ۱۶۵).

علامه بحرانی ضمن بیان تحریم ازدواج در عده آن را مورد اتفاق فقهاء دانسته و می‌نویسد: «نصوص بسیاری بر آن دلالت دارند» (بحرانی، ۱۳۶۳: ج ۲۳، ص ۵۸۵). مرحوم طباطبایی می‌نویسد: «لایجوز التزویج فی عده الغیر دواماً أو متعة سواء كانت عده الطلاق بائنه أو رجعية أو عده الوفاة أو عده و طی الشبهة» (طباطبایی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۸۱۷)؛ (ازدواج دائم یا موقت با زنی که در عده دیگری است چه عده طلاق بائن، طلاق رجعی، عده وفات یا عده وطی به شبهه جایز نیست). امام خمینی علیه السلام می‌نویسد: «در این تحریم فرق نمی‌کند، زن در عده، با همسر اولش عقد دائم یا موقت داشته است» (امام خمینی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۲۸۱).

۴-۲) قیاس اولویت

در فقه مسلم است که اولاً، زن در عده طلاق رجعی در حکم زوجه است و خواستگاری از چنین زنی برای اجنبی، چه به تصریح و چه به تعریض، جایز نیست. همچنین خواستگاری از زنی که در عده طلاق بائن و در عده وفات شوهر می‌باشد، به تصریح^۱ جایز نمی‌باشد (ر.ک. طوسی، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۲۱۸؛ حلی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۵۲۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۷؛ خوانساری، ۱۳۵۵ق: ج ۴، ص ۲۷۷). ثانیاً «نگاه کردن به زنی که در عده به سر می‌برد برای ازدواج جایز نمی‌باشد» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۷، ص ۴۰؛ امام خمینی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۲۴۵).

۱- خواستگاری از چنین زنانی با تعریض طبق صریح آیه قرآن بلا اشکال است «لجناح علیکم فی ما عرضتم به من خطبة النساء» (بقره، ۲۳۵).

بنابراین اگر مقدمات ازدواج از قبیل خواستگاری و نگاه کردن به زن در حالت عده جایز نباشد؛ به طریق اولی ازدواج با چنین زنی جایز نیست و این اولویت از باب «اصالة الظهور» اعتبار دارد (مظفر، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۱۷۸). زیرا توجه به عدم جواز مقدمات ازدواج ظهور دارد در ثبوت حکم برای نفس ازدواج که به طریق اولی واجد ملاک حکم می‌باشد و این اولویت مورد تایید عقل و بالملازمه مورد تایید شرع نیز می‌باشد، حتی اگر در کلام فقهاء در مورد آن بیانی وجود نداشته باشد.

۳) حکم انعقاد جنین در عده

در ماده ۶۵ ق.م.ا. آمده است: «اگر مردی عالم به عده و حکم حرمت، با زنی در عده ازدواج کند. هر دو زانی محسوب شده و حد زنا بر آنان جاری می‌شود» و «بچه آنان ولد الزنا محسوب می‌شود» (شیخ صدوق، ۱۴۱۵ق: ص ۳۲۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۲۰، ص ۴۵۵). طبق قاعده فراش و ماده ۱۱۶۷ ق.م. طفل به زانی ملحق نمی‌شود. در این صورت زن از مرد جدا شده و بعد از آنکه عده شوهر اول تمام شد؛ برای ازدواج دوم نیز عده طلاق نگه می‌دارد و مهرالمسمای ازدواج اول را طلبکار است و ازدواج در عده مانع این طلب نمی‌شود. زیرا طبق اصل استصحاب، مهرالمسمای عقد اول ثابت است؛ اما زن نسبت به مهرالمسمای عقد دوم هیچ حقی ندارد؛ زیرا چنین زنی که از حدود شرع تجاوز کرده، باغی است و باغی^۱ به دلیل صریح، مستحق مهریه

۱- بغی به معنای فجور و زنا می‌باشد «بغت الأمة تبغی أی زنت وفي التنزیل العزیز: ماكانت امك بغياً أی ماكانت فاجرة» (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۱۴، ص ۷۷).

نیست^۱ (ر.ک. حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۷، ص ۹۵).

اگر با جهل به عده و حکم حرمت، ازدواج در عده محقق شود، از مصادیق وطی به شبهه و فرزند «ولد شبهه» بوده و ملحق به پدر و مادر می شود و نسبت طفل به هر دو مشروع می باشد؛ مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد.

لذا طبق نظر مشهور فقهاء «زن از مرد جدا شده و با استناد به اصل عدم تداخل^۳ و قاعده تعدد، مسبب به تعدد سبب لازم است، برای هر یک از دو ازدواج یک عده کامل بگیرد» (نجفی، ۱۳۶۷ق: ج ۲۹، ص ۴۳۸). «برای ازدواج اول مستحق مهر المسمی و نسبت به ازدواج دوم مستحق مهر المثل یا مهر المسمی^۴ می باشد» (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۳۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۵۱۷).

اگر زن یا مرد جاهل به حکم و موضوع بوده و دیگری عالم باشد و ازدواج در عده واقع شود زن و مرد از هم جدا شده و طرفی که عالم بوده زانی یا زانیه

۲- «ان رسول الله ﷺ نهی عن خصال تسعة عن مهر البغی.....» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۷، ص ۹۵).

۳- در فقه بین شش ماه تا اقصی الحمل بیان شده که بیشترین مدت حمل تا یک سال نیز بیان شده لذا برای اقصی الحمل در فقه مدت دقیقی مشخص نشده است.

۴- روایاتی چند دلالت بر تداخل عده‌ها و لزوم یک عده برای موضوع مورد بحث دارند، اما اولاً توان مقابله با روایات بسیاری که مستند قول مشهور است را ندارند؛ ثانیاً در مقام جمع بین ادله و با توجه به قرائن موجود، می توان روایاتی که لزوم یک عده را بیان می کنند، حمل بر عدم نزدیکی در ازدواج در عده کرد.

۴- دلیلی که فقها قائل به پرداخت مهر المسمی می باشند، این است که آنچه ضمن عقد ازدواج بر آن تراضی شده، مهر المسمی است. دلیل پرداخت مهر المثل آن است که مهر المسمی به تبع فساد و بطلان عقد از بین می رود و وقتی پرداخت مهر المسمی مقدور نباشد، به مهر المثل رجوع می شود. همچنین چون این ازدواج از مصادیق وطی به شبهه است، که مهریه چنین ازدواجی همانطور که در ماده ۱۰۹۹ق.م. نیز تصریح شده، مهر المثل می باشد. پرداخت مهر المثل أوجه به نظر می رسد، زیرا تراضی طرفین به مهر المسمی با فرض صحت عقد بوده است؛ لذا با بطلان عقد، آنچه ضمن آن شرط شده نیز از بین می رود.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

محسوب شده و طفل متولد فقط به طرفی ملحق می‌شود که در اشتباه بوده، مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد، این طفل نسبت به طرف عالم نامشروع محسوب می‌شود، در این حال زن باید برای این دو ازدواج، یک عده کامل بگیرد. نسبت به ازدواج اول مستحق مهرالمسمی و نسبت به ازدواج دوم اگر جاهل به حکم و موضوع باشد، مستحق مهرالمثل یا مهرالمسمی است و در صورت علم به حکم و موضوع، مهریه‌ای به زن تعلق نمی‌گیرد (ر.ک. طوسی، بی تا: ص ۴۵۳).

۴) فقه و ازدواج با زن شوهردار

زن شوهردار که در متون فقهی از آن به ذات بعل تعبیر می‌شود، زنی است که براساس عقد ازدواج دائم یا منقطع به همسری مردی درآمده است. «در وطی به شبهه اگر شبهه حکمیه باشد و با اعتقاد به صحت چنین عقدی، در صورتی که عقد نکاح بین طرفین واقع شود، عقد فاسد و موجب تحقق علقه زوجیت و عنوان ذات بعل نمی‌شود» (محقق حلی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۵۱۶). «البته در وطی به شبهه عده بر زن لازم است، لکن لزوم عده از باب انحلال نکاح نیست، بلکه خود فی نفسه یکی از علل موجهه برای عده می‌باشد» (محقق حلی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۶۰۶؛ امام خمینی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۳۳۴).

ازدواج زن شوهردار با مردی دیگر از نظر شرع جایز نمی‌باشد، این ممنوعیت مستند به ادله متعدد می‌باشد:

۴-۱) کتاب

«والمحصنات من النساء الا ماملکت ایمانکم کتاب الله علیکم وأحل لکم ماوراء ذلکم...»، (نساء، ۲۴)؛ (زنان شوهردار (بر شما حرام است) به جز کنیزانی که مالک آنها شده‌اید؛ این حکم خدا بر شماست و آنچه غیر این باشد، برای شما حلال است). از امام صادق علیه السلام نقل شده: «عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام فی المحصنات من النساء الا ما ملکت ایمانکم قال: هن ذوات الأزواج» (مجلسی، ۴۰۳ق: ج ۱۰۰، ص ۳۴۰)؛ (امام صادق علیه السلام در مورد محصنات در آیه فوق فرمودند: منظور زنان شوهردار هستند).

۴-۲) روایات

روایاتی که در مورد ازدواج با زن شوهردار وجود دارد بیان می‌شود، تا از طریق اطلاق، تقیید و جمع بین روایات مختلف بتوان حکم صورت مختلف آن معلوم شود.

- از امام صادق علیه السلام نقل شده: «التي تتزوج ولها زوج یفرق بینهما ثم لا یتعاودان»، (حر عاملی، ۴۱۴ق: ج ۲۰، ص ۴۴۶)؛ (زنی که شوهر دارد اگر با دیگری ازدواج کند از هم جدا می‌شوند و هرگز نمی‌توانند با هم ازدواج کنند). در صحیحہ عبدالرحمن بن حجاج آمده: «قال سألت ابا عبدالله علیه السلام عن رجل تزوج امرأة و لها زوج و هو لا یعلم فطلقها الاول أو مات عنها ثم علم الآخر أیراجعها؟ قال: لا حتی تنقضی عدتها»، (همان)؛ (عبدالرحمن بن حجاج از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند در مورد مردی که با زن شوهرداری ازدواج کرده و نمی‌داند که این زن شوهر دارد، سپس زوج اول، زن را طلاق می‌دهد یا

فوت می‌کند، آن‌گاه زوج دوم متوجه شوهردار بودن زن می‌شود؛ آیا می‌تواند به این زن مراجعه کند و با او ازدواج کند؟ امام علیه السلام فرمودند: پس از پایان عده (طلاق یا فوت) می‌تواند به این زن رجوع کند). این روایت مختص به حالت جهل به شوهردار بودن زن بوده که می‌تواند به عنوان مقیدی برای اطلاق موثقه «ادیم بن حر» باشد.

- موثقه «ادیم بن حر» قائل به حرمت ابدی بین زن و زوج دوم، چه قبل و بعد از نزدیکی و چه بعد از نزدیکی و با وجود علم به شوهردار بودن زن یا جهل به آن می‌باشد.

- مرفوعه «احمد بن محمد»: «ان الرجل اذا تزوج امرأة و علم ان لها زوجاً فرق بينهما و لم تحل له ابداً» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۲۰، ص ۴۴۹)؛ (اگر مردی با علم به اینکه زن، شوهر دارد با وی ازدواج کند، بر هم حرام ابدی می‌شوند و از هم باید جدا شوند). این روایت مخصوص صورت علم به شوهردار بودن زن است، ولی از نظر قبل و بعد از نزدیکی مطلق است.

- «صحیحہ عبدالرحمن بن الحججاج» که بیان شد، مختص به حالت جهل زوج می‌باشد، ولی از لحاظ نزدیکی یا عدم نزدیکی اطلاق دارد.

- «زرارة عن ابی جعفر علیه السلام اذا نعی الرجل الی اهله أو أخبروها انه قد طلقها فاعتدت ثم تزوجت فجاء زوجها الاول فان الاول أحق بها من هذا الاخير دخل بها الاول أو لم یدخل ولیس للاخیر أن یتزوج بها ابداً ولها المهر بما استحل من فرجها»، (همان، ص ۴۴۷)؛ (زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: اگر خبر فوت همسر به زن داده شود یا به او خبر دهند که همسرش

ممنوعیت ازدواج با زن شوهردار و در عده

او را طلاق داده و زن عده وفات یا طلاق نگه دارد، سپس با مرد دیگری ازدواج کند، آنگاه زوج اول ظاهر شود، همسر اول نسبت به مرد دوم به این زن اولویت دارد، چه با زن نزدیکی کرده باشد یا نکرده باشد، زوج دوم بر وی حرام ابدی می‌شود و به خاطر نزدیکی باید مهریه بپردازد). این روایت نه تنها ظهور دارد، بلکه با صراحت بیان می‌کند، زوج نسبت به شوهردار بودن زن، جهل داشته و نزدیکی نیز صورت گرفته است.

با توجه به روایات فوق حکم صور مختلف ازدواج با زن شوهردار، قابل استنباط می‌باشد.

۱-۲-۴) صور مختلف ازدواج با زن شوهردار

۱-۲-۴-۱) علم یا جهل به شوهردار بودن و نزدیکی

اگر ازدواج با زن شوهردار با علم یا از روی جهل به شوهردار بودن زن واقع شود، حال چه قبل و بعد از نزدیکی؛ این ازدواج با علم و نزدیکی همراه باشد، موجب حرمت ابدی زن بر مرد می‌شود، زیرا در این حالت مرد، زانی محسوب شده و زنا با زن شوهردار موجب تحریم ابدی می‌شود. این حکم از اطلاق موثقه «ادیم بن حر» و مرفوعه «احمد بن محمد» قابل استنباط است. با توجه به اطلاق موثقه ادیم بن حر و مرفوعه احمد بن محمد که قبل از نزدیکی را نیز شامل می‌شود، اگر فردی عالماً با زن شوهردار ازدواج کند و نزدیکی انجام نشود؛ حرمت ابدی حاصل می‌شود.

صحیحه عبدالرحمن بن حجاج و روایت زراره با هم تعارض دارند، چرا

که طبق روایت عبدالرحمن در صورت جهل و نزدیکی، پس از انقضاء عده، زن و مرد می‌توانند با هم ازدواج کنند؛ ولی طبق روایت زراره در چنین حالتی، حرمت ابدی بین زن و مرد ایجاد می‌شود. لذا در زمان تعارض با استناد به اطلاق موثقه «ادیم بن حر» که مطلقاً ازدواج زن شوهردار ممنوع و حکم به حرمت ابدی بین زن و مرد در صورت جهل و نزدیکی می‌شود. همچنین به صحیحه «عبدالرحمن» که شامل جهل و نزدیکی یا عدم نزدیکی است به علت تعارض با روایت زراره در خصوص جهل و نزدیکی، عمل نمی‌شود.

۲-۱-۲) جهل به شوهردار بودن و عدم نزدیکی

چون صحیحه عبدالرحمن حکم جهل و عدم نزدیکی را به صراحت بیان کرده، باعث تقیید اطلاقات ادله می‌شود؛ لذا در این مورد نمی‌توان به اطلاق موثقه «ادیم بن حر» استناد نمود. صاحب ریاض معتقد است: «عدم تحریم در صورت جهل و عدم نزدیکی، معتضد به اجماع فقهاست و اجماع باعث تقیید اطلاق ادله حکم حرمت ابدی می‌شود» (طباطبایی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۱۰۰). البته اگر بتوان حکم مسئله را از اطلاق ادله نقلی بدست آورد، اجماع در این مورد اجماع مدرکی خواهد بود که فاقد جاهت و اعتبار می‌باشد.

بنابراین حکم زن شوهردار با حکم زن معتده یکسان است و در هر دو مورد در صورت علم، چه نزدیکی حاصل شود یا نشود حرمت ابدی ایجاد می‌شود؛ در غیر این صورت، عقد باطل و زن و مرد پس از طلاق و اتمام عده می‌توانند با یکدیگر ازدواج کنند. همچنین در صورت عالم بودن یک طرف

و جاهل بودن طرف مقابل، همان نظری که در مورد زن معتده بیان شد، اینجا نیز قابل طرح است. بنا بر قول اصح این صورت نیز ملحق به صورت علم طرفین می‌باشد و موجب حرمت ابدی بین زن و مرد می‌شود.

در صور مختلف ازدواج با زن شوهردار که صحبت از علم و جهل است، علم و جهل اعم از علم و جهل به موضوع یا حکم می‌باشد و این معنا از اطلاق ادله مربوط به چنین ازدواجی به دست می‌آید. البته آنچه در روایات و کلام فقهاء به چشم می‌خورد، غالباً بیان حکم علم یا جهل به موضوع می‌باشد؛ دلیل آن وضوح مطلب در مورد علم یا جهل به حکم نزد مسلمین است. روایت عبدالرحمن که در بحث مربوط به زن معتده بیان شد، نیز به عنوان مؤیدی در اینجا قابل طرح است، زیرا در این روایت، جاهل به حکم معذورتر از جاهل به موضوع معرفی شده، بنابراین اگر مسئله جهل به موضوع بیان شود به طریق اولی حکم جهل به حکم نیز حاصل خواهد شد (ر.ک. خوئی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۲۳۷).

همچنین اگر مردی با زن شوهردار ازدواج کند و بچه‌ای متولد شود، در صورت علم به شوهردار بودن، بچه ولدالزنا محسوب شده و به زانی ملحق نمی‌شود و در صورت جهل، طفل ملحق به پدر و مادر می‌شود؛ مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد.

۳-۴) اجماع

عقد ازدواج با زن شوهردار به اجماع فقهاء جایز نیست و چنین عقدی باطل و غیر نافذ است. محقق حلی می‌نویسد: «لا تحلّ ذات البعل لغيره الا بعد مفارقته وانقضاء العدة اذا كانت ذات عدة»، (محقق حلی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۵۱۸)؛ (زن شوهردار برای مرد دیگر حلال نیست، مگر پس از جدا شدن از شوهر و پایان یافتن عده، البته اگر از زانی باشد که دارای عده می‌باشند). محقق کرکی ضمن ابطال چنین عقدی صور مختلف آن را بیان می‌کند و حکم تکلیفی هر صورت را بیان می‌نماید (ر.ک. کرکی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۲، ص ۳۱۱). همچنین برخی ادعای اجماع نموده‌اند: «لا یحل العقد علی ذات البعل اجماعاً» (طباطبایی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۱۰۰).

برخی از فقهاء «ازدواج زن شوهردار را به ازدواج زن معتده ملحق نموده و تمامی احکام و صور مربوط به ازدواج زن معتده را در مورد ازدواج زن شوهردار بیان نموده‌اند» (نجفی، ۱۳۶۷: ج ۲۹، ص ۴۳۳؛ طباطبایی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۸۲۰؛ امام خمینی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۲۸۴).

مرحوم نجفی نیز می‌نویسد: «لعله ظاهر الجمیع و إن لم یتعرضوا له بالخصوص اتکالاً علی معلومیة اتحاد حکمها لحکم ذات العدة الرجعیة» (نجفی، ۱۳۶۷: ج ۲۹، ص ۴۳۴). اتحاد حکم زن شوهردار با زنی که در عده طلاق رجعی است، مورد اتفاق تمام فقهاست گرچه برخی در این مورد به جهت وضوح و معلوم بودن چنین اتحادی بحث نکرده‌اند. مرحوم خوئی معتقدند: «بحث الحاق یا اتحاد حکم زن شوهردار با زن معتده صحیح نمی‌باشد؛ زیرا

حکم ازدواج با زن شوهردار و صور مختلف آن در روایات به طور مستقل بیان شده و نیازی به الحاق موضوع مشابه نیست» (خوئی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۲۳۰). این نظر وجیه می‌باشد و مؤید آن روایات متعددی است که در ادامه بحث بیان خواهد شد.

۴-۴) قیاس اولویت

خواستگاری از زن شوهردار به صراحت یا با کنایه حرام است و در این مسئله هیچ اختلافی بین فقهاء وجود ندارد؛ زیرا در این خواستگاری غیر از فساد چیز دیگری وجود ندارد (ر.ک. کرکی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۲، ص ۴۸). حتی «نگاه کردن به زن شوهردار به قصد ازدواج با وی پس از رفع موانع جایز نیست» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۷، ص ۴۰). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اشتد غضب الله عزوجل علی امرأة ذات بعل ملأت عینها من غیر زوجها او غیرذی محرم منها فانها إن فعلت ذلک أحبط الله کل عمل عملته»، (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۲۰، ص ۲۳۲)؛ (خشم و غضب خداوند نسبت به زن شوهرداری که چشمش به غیرشوهرش یا مردان نامحرم باشد، شدت می‌یابد و این کار باعث می‌شود که تمام اعمالی که این زن انجام دهد، حبط و نابود شود).

بنابراین چون خواستگاری و نگاه کردن به زن شوهردار جایز نیست و تمایل و توجه به زن شوهردار غضب الهی را تشدید می‌کند به طریق اولی عقد ازدواج مرد اجنبی با چنین زنی ممنوع و غیرمجاز می‌باشد، چرا که علقه ازدواج به مراتب مستحکم‌تر از خواستگاری و نگاه کردن می‌باشد. مرحوم خوانساری اولویت مذکور را به نحوی دیگر بیان می‌کنند: «اگر تصریح به خواستگاری

در مورد زنی که در عده می‌باشد، ممنوع است و این ممنوعیت به دلیل احترام به علقه ازدواجی می‌باشد که قبلاً وجود داشته، به طریق اولی تصریح به خواستگاری در مورد زنی که شوهر دارد و علقه ازدواج آنها مستحکم است، ممنوع می‌باشد. وقتی خواستگاری از چنین زنی ممنوع شد، به طریق اولی عقد ازدواج با وی نیز جایز نمی‌باشد» (خوانساری، ۱۳۵۵: ج ۴، ص ۲۸۲).

۵) قانون و ازدواج با زن شوهردار و در عده

قانونگذار حکم ازدواج در عده را همان حکم حرمت تکلیفی بیان نموده و زنی که عده‌اش تمام نشده از حیث مانعیت نکاح در حکم زن شوهردار می‌باشد. - در ماده ۱۰۵۰ ق.م.آ.م: «هر کس زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح یا زنی که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند، عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود».

- ماده ۱۰۵۱ ق.م.آ.م. بیان می‌دارد: «حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد. در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی، عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود».

علت ممنوعیت عقد مذکور در ماده ۱۰۵۰ ق.م.آ.م. شوهردار بودن یا در عده بودن زن می‌باشد؛ لذا اگر مانع از جهت دیگری باشد و عاقد زن را عقد کند، مشمول این ماده نمی‌شود. مثلاً در ماده ۱۰۵۶ ق.م.آ.م: «اگر کسی با پسری عمل شنیع انجام دهد، نمی‌تواند مادر یا خواهر یا دختر او را تزویج کند».

حال اگر لواطکننده مادر، خواهر یا دختر این پسر را عقد کند عقدش باطل است؛ لکن بطلان این عقد بر اساس شوهردار یا در عده بودن زن (موضوع ماده ۱۰۵۰ ق.م.) نمی‌باشد؛ بلکه مانع این عقد، همان عمل شنیعی است که موجب حرمت خواهر، مادر یا دختر موطوء بر واطی می‌باشد که چنین مانعی مشمول ماده ۱۰۵۰ ق.م. نمی‌شود (ر.ک. زراعت، ۱۳۸۲: ص ۴۹۱).

۵-۱) نقد و بررسی

۱-۱-۵) قانون مدنی

تخصیص عده به عده طلاق و وفات در ماده ۱۰۵۰ ق.م. وجهی ندارد. زیرا در ماده ۱۱۵۰ ق.م. به‌طور مطلق وجود عده را مانع اختیار شوهر برای زن می‌داند و با لحاظ مواد ۱۱۵۷-۱۱۵۱ ق.م. عده شامل عده طلاق، فسخ نکاح، بذل و انقضای مدت در نکاح موقت، عده وفات و عده وطی به شبهه می‌شود. از آنجا که در نکاح منقطع طلاق وجود ندارد؛ لذا عنوان عده طلاق شامل عده بذل و انقضای مدت آن در ازدواج موقت نمی‌شود. بنابراین لازم است در قانون از کلماتی استفاده شود که عمومیت داشته و تمام مصادیق موردنظر را شامل شوند.

مثلاً در ماده ۱۰۵۰ ق.م. آمده: «اگر کسی زنی را در عده برای خود عقد کند عقد باطل است». کلمه خود در این ماده بلا وجه است. زیرا عقد ازدواج در عده، چه برای خود یا برای دیگری، باطل است.

در ماده ۱۰۵۱ ق.م. بیان شده: «اگر عقد از روی جهل باشد با فرض

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

نزدیکی، حرمت ابدی بین زن و مرد ایجاد می‌شود». واضح است، انعقاد عقد از روی جهالت عنوانی است که می‌تواند دو مصداق داشته باشد. اول جهل زن و مرد به حکم. این مصداق در ماده ۱۰۵۱ ق.م.آ. آمده. دوم یکی عالم و دیگری جاهل باشد. که طبق نظر مشهور فقهاء زن و مرد با نزدیکی یا بدون نزدیکی برهم حرام ابدی می‌شوند. درحالی که در این ماده، حرمت مقید به بعد از نزدیکی شده است. به نظر می‌رسد اگر عبارت (عقد از روی جهالت طرفین به تمام یا یکی از امور.....) جایگزین عبارت موجود در ماده ۱۰۵۱ ق.م. شود، مشکل مرتفع خواهد شد.

۲-۱-۵) قانون جزا

ازدواج در عده و با زن شوهردار علاوه بر منع قانونی، جرم نیز تلقی شده و در قانون مجازات اسلامی به عنوان یکی از جرائم علیه خانواده برای آن مجازات تعزیری در نظر گرفته شده است. در ماده ۶۴۳ ق.م.ا. آمده: «هرگاه کسی عالماً زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است، برای مردی عقد نماید. به حبس از شش ماه تا سه سال یا از سه میلیون تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید».

ماده ۶۴۴ ق.م.ا. بیان می‌دارد: «کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند:

۱- هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است، خود را به عقد

دیگری درآورد در صورتی که منجر به واقعه نگردد.

۲- هرکسی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است، برای خود تزویج نماید در صورتی که منتهی به واقعه نگردد».

عنصر معنوی جرم، سوء نیت عام است که فرد از روی علم و عمد جرم را مرتکب شود؛ لذا مسئولیت کیفری دارد. جهل به موضوع رافع مسئولیت کیفری است، جهل به حکم نیز اگر از مصادیق جهل قصوری باشد، رافع مسئولیت کیفری بوده، ولی جهل تقصیری رافعیت نداشته^۱ و چنین کسی در حکم عالم می باشد؛ البته اثر وضعی چنین نکاحی بطلان در تمام صورتها است.

عنصر مادی جرم، به عقد درآوردن زن شوهردار یا معتده برای خود یا دیگری است، همچنین زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری بوده، در صورت عقد با فرد دیگر، مرتکب عمل مجرمانه می شود.

این عقد می تواند توسط طرفین عقد (موضوع ماده ۶۴۴ ق.م.ا.) یا فرد ثالث (موضوع ماده ۶۴۳ ق.م.ا.) منعقد شود. فرد ثالث به وکالت از طرفین عقد ممکن است، دفتر داشته یا دفتر نداشته باشد، همچنین فرق نمی کند که صلاحیت رسمی عقد کردن داشته یا نداشته باشد؛ البته اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه ش ۱۳۷۳/۱۲/۲۲-۷/۸۶۰۳ بیان داشته: «اگر عاقد صلاحیت و اجازه انجام عقد را از مقامات ذیصلاح نداشته باشد، فاقد رسمیت است

۱- در مواد قانون مجازات، اشتباه جزء عوامل رافع مسئولیت جزایی عنوان نشده است با این وصف اگر بتوان با استدلال موجه خصوصاً با استنادبه حدیث رفع، اشتباه را رافع مسئولیت دانست عدم پیش بینی صریح آن در مقررات قانونی مانعی درراه تاثیرآن بوجود نمی آورد زیرا مقررات کلی حقوق جزا حتی اگر به صورت ماده قانون درنیامده باشد، در مواردی که مفید به حال متهم است مورد عمل قرارمی گیرد (ر.ک. صانعی، ۱۳۸۲: ص ۵۳۹).

و از نظر کیفری قابل تعقیب است» (زراعت، ۱۳۸۲: ص ۴۹۲). این نظریه با توجه به ماده ۶۴۵ ق.م.ا. که ثبت ازدواج در دفاتر رسمی را لازم دانسته و برای عدم ثبت آن تعزیر قرار داده، ناظر بر ثبت ازدواج است که طبق این نظریه، ثبت ازدواج از طرف کسی که اجازه از مقامات ذیصلاح، ندارد جرم محسوب می‌شود. این ماده از چند جهت دارای ابهام است:

ابهام اول، به نظر می‌رسد ماده ۶۴۳ ق.م.ا. ناظر به کسی است که یکی از دفاتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی را داشته باشد، ولی اگر شخصی هر دو دفتر را داشته باشد و مرتکب این جرم شود، مشخص نیست، تصدی کدام دفتر از وی سلب می‌شود. زیرا کلمه «دفتر» بعد از واژه‌های دفتر «ازدواج و طلاق و اسناد رسمی» به صورت مطلق بکار رفته و ظاهراً به هر دو دفتر اشاره دارد؛ لذا لازمست قانونگذار با تصریح به این مطلب، ابهام موجود در این ماده را برطرف کند.

ابهام دیگر، چنانچه ایجاب و قبول توسط زوجین یا اشخاص دیگر جاری شود و دفتردار این عقد را در دفتر خود ثبت نماید، کدامیک از این افراد را می‌توان به استناد ماده ۶۴۳ ق.م.ا. تحت تعقیب قرار داد؟ به نظر می‌رسد بر اساس تفسیر مضیق ماده، فقط جاری‌کنندگان صیغه عقد مشمول می‌شوند و سردفتر با عنوان دیگری ممکن است تحت تعقیب قرار گیرد، مگر اینکه ادعا شود عقد نکاح یک عقد تشریفاتی است و به صرف ایجاب و قبول واقع نمی‌شود، بلکه با ثبت در دفتر ازدواج، عنوان عقد پیدا می‌کند؛ که البته این ادعا با ظاهر قانون مدنی و مقررات شرعی سازگاری ندارد.

محرومیت از تصدی دفتر که برای دارندگان دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی اعمال می‌گردد مانع اعمال مجازات حبس یا جزای نقدی و شلاق نیست؛ بنابراین هر دو مجازات نسبت به آنان اعمال می‌گردد. ابهام بعدی این است که مجازات شلاق به همراه جزای نقدی مورد حکم قرار می‌گیرد یا با مجازات حبس هم ممکن است اعمال شود، چون نحوه تدوین ماده به شکل صحیحی انجام نشده است؛ احتمال اول آن که مجازات شلاق تنها همراه با جزای نقدی مورد حکم قرار می‌گیرد؛ چون در این ماده حکم به دو مجازات است که بوسیله حرف «یا» از هم جدا شده‌اند؛ احتمال دیگر اینکه مجازات شلاق به همراه حبس یا جزای نقدی قابل اعمال است؛ چون جزای نقدی بدل از حبس می‌باشد و دادگاه اختیار دارد، حکم به حبس یا جزای نقدی بدهد و هر کدام را که انتخاب کرد با مجازات شلاق همراه می‌سازد، به نظر می‌رسد احتمال دوم با ظاهر ماده سازگارتر است.

جرم موضوع این ماده، اختصاص به عقدکردن زن شوهردار یا معتده برای مرد دیگری دارد؛ بنابراین اگر کسی زنی را که خالی از موانع نکاح است، برای مرد زنی عقد کند مشمول این ماده نیست و نیز اگر زن شوهردار یا معتده برای چنین مردی عقد شود، تأثیری در جرم ندارد. به عبارت دیگر در تحقق این جرم تفاوتی ندارد که مرد دیگر متاهل یا مجرد باشد.

غیر از موجب و قابل، افراد دیگر از قبیل شهود و ... که در مجلس عقد حضور دارند، براساس تفسیر مضیق قانون، شریک در جرم محسوب نمی‌شوند، گرچه به عنوان معاونت در جرم می‌توانند، تحت تعقیب قرار گیرند.

طبق ماده ۴۲ ق.م.ا. برای تحقق جرم، وجود دو عنصر علم و اطلاع لازم است. مرتکب جرم هنگام ارتکاب جرم باید از عمل خود و جرم بودن آن آگاهی داشته باشد و در تحقق و اجرایی شدن جرم نیز مداخلیت داشته باشد، به نحوی که جرم مستند به عمل همه آنها باشد. مسلماً صیغه عقدی که عالمماً توسط موجب و قابل اجرا می‌شود به نحوی که هر دو در تحقق عقد دخالت مستقیم دارند، باعث شراکت این دو در تحقق جرم می‌شود.

البته این احتمال نیز مطرح است که تمامی شرکت کنندگان در عقد نیز شریک در جرم باشند، اما این امر باعث تفسیر موسع قانون می‌شود و با ظاهر ماده ۴۲ ق.م.ا. مخالف است؛ زیرا سایر افراد غیر از موجب و قابل در تحقق صیغه عقد که عنصر مادی جرم می‌باشد، دخالت ندارند. در فقه نیز تحقق صیغه به ایجاب و قبول است و شرائط دیگر جزء ارکان صیغه نمی‌باشند. افراد دیگر می‌توانند تحت عنوان معاون مجرم قرار گیرند؛ زیرا این افراد خود مرتکب عمل مجرمانه نشده‌اند، ولی به یکی از صورت‌هایی که در قانون پیش‌بینی شده، مجرم را در ارتکاب جرم کمک می‌کنند. خواستگار و زن مورد عقد اگر به دیگری وکالت در اجرای صیغه عقد دهند از باب تحریک غیر به ارتکاب جرم (بند ۱، ماده ۴۳ ق.م.ا.) می‌توانند، به عنوان معاونت در جرم تحت تعقیب و مجازات قرار گیرند؛ همچنین شهود حاضر در جلسه در صورتی که حضور آنها باعث تسهیل در وقوع جرم شود، به عنوان معاون جرم محسوب می‌شوند (بند ۳، ماده ۴۳ ق.م.ا.).

مجازات جرم به تعدد آن متعدد می‌شود و تداخل در مجازات صورت

نمی‌گیرد، لذا اگر کسی زن معتده را برای یک مرد به مدت یک شبانه روز بصورت موقت عقد نماید و پس از انقضاء این مدت دوباره وی را برای مرد دیگری عقد نماید؛ بدون اینکه عده نکاح موقت قبلی سپری شده باشد، مرتکب دو جرم شده است.

طبق ماده ۴۸ ق.م.ا. هر کس به موب حکم دادگاه به مجازات تعزیری یا بازدارنده محکوم شود، چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر گردد، دادگاه می‌تواند در صورت لزوم، مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید. زیرا شخصی که عادت به ارتکاب جرم کرده، خطر بیشتری برای جامعه دارد و از این نظر باید برای جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم و همینطور با توجه به مسئولیت جزائی افزایش یافته، مجازات بیشتری را نسبت به وی اعمال شود؛ البته برخی معتقدند اگر محکوم پس از خروج از زندان یا تحمل تعزیر مرتکب جرم جدیدی شود، این بدان جهت است که زندان در تأمین بعضی از هدف‌هایی که برای نظام جزائی قائل بوده، یعنی اصلاح حال مجرم و تربیت مجدد وی برای ورود به اجتماع با شکست مواجه بوده است و تقصیر آن را نباید با اجرای مجازات سنگین‌تر به گردن مرتکب جرم قرار داد، طبق این نظر باید برای مرتکب جرم، مسئولیت کمتری قائل بوده یا حداقل وی را تنها به مجازات جرمی که مورد رسیدگی است، محکوم نمود (ر.ک. صانعی، ۱۳۸۲: ص ۷۸۹).

امروزه در بسیاری از نظام‌های جزائی به خاطر اینکه تشدید مجازات را از نظر ارباب عمومی و جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده ضروری می‌شناسند

و افرادی را که برای بار دوم و دفعات بعد به ارتکاب جرم دست می‌زنند به مجازات‌های شدیدتر محکوم می‌کنند. قوانین مربوط به جرم ازدواج با زن شوهردار یا زن معتده که از آنها تحت عنوان عنصر قانونی یا رکن قانونی جرم نامبرده می‌شود، در صورتی بازدارندگی لازم دارند که علاوه بر جدیت و قاطعیت و اجرای بدون اغماض، واجد ویژگی‌های ذیل باشد:

۱-۲-۱) رنج‌آور و ترهیبی؛ رنج مجازات هر جرم باید از لذت موفقیت احتمالی مجرم در ارتکاب آن بیشتر باشد تا افراد با توجه به این واقعیت از ارتکاب جرم چشم‌پوشی کنند.

۲-۲-۱) رسواکننده و ترذیلی؛ مجازات باید باعث رسوائی مجرم در اذهان و افکار عمومی باشد تا بدین وسیله افراد مجرم بالقوه و توده مردم از ترس آنکه آبرو و حیثیت اجتماعی خود را از دست ندهند، از بزهکاری خودداری کنند. البته رسوا کردن نباید به ترتیبی باشد که مانع تحقق هدف مهمتر مجازات یعنی اصلاح مجرم گردد و نباید مانع ادامه زندگی وی به طریق معمول پس از تحمل مجازات شود.

۳-۲-۱) مشخص بودن مجازات؛ قانونگذار به قاضی این اختیار را بدهد که با توجه به مقتضیات هر دعوی جزایی و با توجه به کیفیات مخففه یا مشدده، مجازات مناسبی برای مجرم تعیین کند یا مجازات وی را معلق کند، مشخص بودن مجازات‌ها وسیله تقویت این اعتقاد در مردم است که عدالت جزایی به شکل دقیق و اصولی اجرا می‌شود.

۴-۲-۱) همگانی بودن؛ همه کسانی که در شرایط مشابه مرتکب جرم

ممنوعیت ازدواج با زن شوهردار و در عده

می‌شوند باید به جزای خود برسند، این اعتقاد باعث تحقق حس عدالت شده و تعادل روانی افراد به قوت خود باقی می‌ماند، متقابلاً اگر مجازات‌ها فقط در مورد طبقات خاص و به صورت تبعیض‌آمیز باشد، در هر یک از افراد جامعه نیازی شدید نسبت به درهم ریختن محدودیت‌ها و ارتکاب جرم بوجود می‌آورد.

۵-۲-۱) دوام نسبی، دوام نسبی قانون باعث می‌شود، که مردم به تدریج خود را با مقتضیات آن آشنا کنند و عادت به حفظ و رعایت قانون در آنها به وجود آید.

۶) پیشنهاد اصلاح ماده

موارد پیشنهادی برای اصلاح قوانین موضوعه به شرح ذیل بیان می‌شود:

۱-۶) در ماده ۱۰۵۰ ق.م. تخصیص عده به عده طلاق یا وفات وجهی ندارد. همچنین کلمه «خود» در این ماده بلاوجه است، لذا پیشنهاد می‌شود، این ماده بدین صورت اصلاح شود:

- «هر کس زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح یا زنی را که در عده است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود یا دیگری عقد کند، عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخصی که عقد برای وی واقع شده، حرام مؤبد می‌شود».

۲-۶) با توجه به حکم موجود در ماده ۱۰۵۱ ق.م. که فقط موردی را شامل می‌شود که هر دو طرف جاهل باشند، این ماده بدین صورت اصلاح شود:

- «حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهالت طرفین به تمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد، در صورت جهل طرفین و عدم وقوع نزدیکی، عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود».

۳-۶) در ماده ۶۴۳ ق.م.ا. ممنوعیت تصدی دفتر در مورد کسی که دارای دفتر ازدواج، طلاق و دفتر اسناد رسمی است، مبهم می‌باشد و مشخص نشده، این ممنوعیت تصدی به یکی از دو دفتر یا هر دو دفتر تعلق می‌گیرد. لذا پیشنهاد می‌شود ذیل ماده این جمله اضافه شود:

- «... و در صورت دارا بودن هر دو دفتر، برای همیشه از تصدی دفتری که در آن عقد ثبت شده ممنوع خواهدگردید».

۴-۶) به نظر می‌رسد جزای نقدی مذکور در مادتين ۶۴۳-۶۴۴ ق.م.ا. با توجه به رشد متغیرهای اقتصادی و افزایش درآمدها نیاز به اصلاح و افزایش دارد. مناسب است بجای پول، سکه لحاظ شود تا هر چند سال یکبار نیازی به اصلاح مقدار پول نباشد. ماده اصلاحی به صورت ذیل پیشنهاد می‌شود:

- «هرگاه کسی عالماً زن شوهردار یا زنی که در عده دیگری است، برای مردی عقد نماید یا کسی خود عالماً مرتکب این اعمال شود به پرداخت ۲۰-۱۲ سکه طلای تمام بهار آزادی محکوم می‌شود».

منابع

- ابن بابویه قمی، (شیخ صدوق) محمدبن علی، (۱۴۱۵ق)، **المقنع**، قم: مؤسسه امام الهادی.
- ابن منظور، جمال‌الدین محمدبن مکرم، (۱۴۰۵ق)، **لسان العرب**، چ ۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- بحرانی، یوسف، (۱۳۶۳)، **حدائق الناضرة**، چ ۱، قم: جماعه المدرسین.
- حراعاملی، محمدبن حسن، (۱۴۱۴ق)، **وسائل الشیعه**، چ ۲، قم: مؤسسه آل‌البیته.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۳ق)، **قواعد الاحکام**، چ ۱، قم: مؤسسه النشر.
- حلی (محقق)، نجم‌الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۰۹ق)، **شرایع الاسلام**، چ ۲، تهران: انتشارات استقلال.
- خمینی، روح‌الله، (۱۴۰۴ق): **تحریر الوسیله**، چ ۱، قم: دارالکتب العلمیه.
- خوئی، سیدابوالقاسم، (۱۴۰۷ق)، **کتاب النکاح**، قم: دارالهادی.
- خوانساری، سیداحمد، (۱۳۵۵ق)، **جامع المدارک**، چ ۲، تهران: مکتبه الصدوق.
- راوندی، قطب‌الدین، (۱۴۰۵ق)، **فقه القرآن**، چ ۲، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- زراعت، عباس، (۱۳۸۲)، **شرح قانون مجازات (بخش تعزیرات - ۲)**، چ ۱، تهران: انتشارات ققنوس.
- سیدمرتضی (الشریف المرتضی)، علی بن الحسین، (۱۴۱۵ق)، **الاتصار**، چ ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صانعی، پرویز، (۱۳۸۲)، **حقوق جزای عمومی**، چ ۱، تهران: انتشارات طرح نو.

- ◀ طباطبائی، سیدعلی، (۱۴۰۴ق)، *ریاض المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت. چاپ سنگیو.
- ◀ طباطبائی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان*، چ ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ◀ طباطبائی، سیدمحمدکاظم، (۱۴۰۹ق)، *العروة الوثقی*، چ ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- ◀ طبرسی، امین الاسلام ابوعلی، (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان*، چ ۱، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- ◀ طریحی، فخرالدین، (۱۴۰۸ق)، *مجمع البحرین*، چ ۲، تهران: المكتبة المرتضویه.
- ◀ طوسی، محمدبن حسن، (۱۳۸۷ق)، *المبسوط*، تهران: المكتبة المرتضویه.
- ◀ طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۷ق)، *الخلاف*، چ ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ◀ طوسی، محمدبن حسن، (بی تا)، *النهاية*، بیروت: افست منشورات قدس قم.
- ◀ جبعی عاملی، (شهیدثانی) زین الدین علی، (۱۴۱۳ق)، *مسالك الافهام*، چ ۱، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- ◀ جبعی عاملی، (شهید اول) محمدبن مکی، (۱۴۱۱ق)، *اللمعة الدمشقیة*، چ ۱، قم: دارالفکر.
- ◀ عکبری، (شیخ مفید) محمدبن نعمان (۱۴۱۰ق)، *المقنعة*، چ ۲، قم: جماعة المدرسین.
- ◀ مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، چ ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ◀ مظفر، محمدرضا، (۱۳۷۰) *اصول الفقه*، چ ۲، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ◀ نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام*، چ ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، *حقوق مدنی: خانواده*، چ ۶، تهران: انتشارات بهمن برنا.
- ◀ کرکی، علی بن الحسین، (۱۴۰۸ق)، *جامع المقاصد*، چ ۲، قم: مؤسسه آل البيت.